



روان‌شناسی فرهنگی

دوفصلنامه علمی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)

دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴

شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۷۲۱۱

شاپا الکترونیکی: ۶۳۸۸ - ۲۶۷۶



نشریه علمی روانشناسی فرهنگی

(Cultural Psychology)

آموزش روان‌شناسی اسلامی در ایران: تحلیل محتوای ۵۲ برنامه درسی روان‌شناسی

ناصر آقابابائی ✉

استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران. نویسنده مسئول: naseragha@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۳	تعلیم و تربیت و دانشگاه اسلامی مستلزم برنامه‌های درسی منطبق با آموزه‌های اسلامی است. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت آموزش روان‌شناسی اسلامی در ایران با تمرکز بر برنامه‌های درسی مصوب در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی ایران انجام شد. بدین منظور سرفصل ۴۱ برنامه درسی روان‌شناختی مصوب در وزارت علوم و ۱۱ برنامه درسی روان‌شناختی مصوب در وزارت بهداشت تحلیل محتوای کمی شدند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که برنامه‌ریزان درسی کمابیش به نقش اسلام در آموزش روان‌شناسی در ایران توجه دارند. تأکید برنامه‌ریزان درسی روان‌شناسی آن است که نگاه اسلام در مسائل روان‌شناختی در نظر گرفته شود، به منابع اسلامی مراجعه شود، نظر دانشمندان اسلامی به مثابه ریشه‌های روان‌شناسی در اسلام اخذ شود، و معارف اسلامی مرتبط با روان‌شناسی به دانشجویان آموخته شوند. پژوهش حاضر، ضمن ترسیم وضعیت فعلی آموزش روان‌شناسی اسلامی در ایران در چارچوب برنامه‌های درسی مصوب، تحلیل فرهنگی آموزه‌های اسلامی را به منظور گنجاندن در برنامه‌های درسی روان‌شناسی لازم می‌شمارد.
واژگان کلیدی: روان‌شناسی اسلامی آموزش برنامه درسی اسلام فرهنگ ایران	

استناد: آقابابائی، ناصر (۱۴۰۴). آموزش روان‌شناسی اسلامی در ایران: تحلیل محتوای ۵۲ برنامه درسی روان‌شناسی. *روان‌شناسی فرهنگی*، (۱) ۹، ۵۵-۶۶.

<https://doi.org/10.30487/jcp.2025.547650.1843>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، نشریه روان‌شناسی فرهنگی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت)



Islamic psychology education in Iran: Content analysis of 52 curriculums

Naser Aghababaei^{1✉}

1. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran.

Article Info

History

Received: April 15, 2025
Accepted: July 25, 2025

Keywords

Islamic Psychology
Education
Curriculum
Islam
Culture
Iran

Abstract

Islamic education and Islamic university require curriculums that are in line with Islamic teachings. The current study aimed to investigate the current state of Islamic psychology education in Iran, by focusing on curriculums that are active in Ministry of Science, Research and Technology and Ministry of Health and Medical Education of the Islamic Republic of Iran. In doing so, 41 active curriculums in the Ministry of Science and 11 active curriculums in the Ministry of Health of Iran were content analyzed. Results indicated that curriculum designers more or less pay attention to Islam in psychology education in Iran. The curriculum designers insist that the Islamic perspective should be considered in psychological issues, Islamic sources should be referred to, opinions of Islamic scholars as roots of psychology in Islam should be noted, and Islamic knowledge that are related to psychology should be taught to students. This study, depicting the current situation of Islamic psychology education in Iran based on active curriculums, consider the cultural analysis of Islamic teachings necessary in order to include in psychology curriculums.

Citation: Aghababaei, N. (2025). Islamic psychology education in Iran: Content analysis of 52 curriculums. *Cultural Psychology*, 9(1), 55- 66.

<https://doi.org/10.30487/jcp.2025.547650.1843>

© 2025 Authors, Cultural Psychology.

Publisher: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).

مقدمه

اصطلاح *روان‌شناسی* را نخستین بار مارکو مارولیچ در کتاب *روان‌شناسی: ماهیت روح انسان*^۱ در اواخر قرن پانزدهم یا اوایل قرن شانزدهم میلادی به کار برد. اکنون روان‌شناسی در سراسر جهان رواج یافته است و تسلط آن در بیشتر مؤسسات بالینی و علمی کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای با اکثریت مسلمان، همچنان بدون چالش مانده است. به علم روان‌شناسی به خاطر جهانی‌بینی‌ها و تعصبات شرق‌شناختی و اروپامحوری که ناشی از امپریالیسم، استعمار، و جهانی‌شدن انتقاد شده است، اگرچه بیشتر روان‌شناسان به طور کلی اذعان می‌دارند که رفتارها و تجربه‌های انسانی تا اندازه‌ای جهانی‌اند. اما، مسلم است که روان‌شناسی دیگر نمی‌تواند از زمینه‌های فرهنگی و دینی‌ای که زندگی جوامع بومی را شکل می‌دهند، جدا شود. با این حال، روان‌شناسان مسلمان که در دانشگاه‌های غربی یا حتی در کشورهای خود آموزش دیده‌اند، مسلمانانی در «حباب روان‌شناسی سکولار» تربیت شده‌اند. احتمالاً بسیاری از دانشجویان، علم روان‌شناسی را با قرآن و سنت مرتبط نمی‌دانند. این در حالی است که علم «خود» یا روح در متون اسلامی مدت‌ها پیش از آنکه اصطلاح «روان‌شناسی» معرفی شود، مورد مطالعه قرار گرفته بود. جوهره روان‌شناسی اسلامی، بررسی رفتارها و تجربه‌های انسانی از دیدگاهی جامع (یعنی جسمانی، روانی، اجتماعی، و معنوی) بر پایه جهان‌بینی اسلامی است (رسول، ۲۰۲۳).

ارتباط اسلام با روان‌شناسی را می‌توان به وسیله کشف اینکه میراث اسلام چه حرفی برای گفتن برای آن دارد تعیین کرد. روان‌شناسان مسلمانی که، با نگاهی اسلامی، جریان اصلی روان‌شناسی را نقد می‌کنند می‌گویند ما نیازمند از صافی‌گذراندن روان‌شناسی غربی هستیم چرا که روان‌شناسی غربی از لحاظ فرهنگی و میان‌فرهنگی نامعتبر یا با قواعد اسلامی در تعارض است. نخستین وظیفه روان‌شناس مسلمان این است که درون سنت تجربی کار کند و از پیکره غربی روان‌شناسی مؤلفه‌های فرهنگ ناوابسته، از لحاظ آزمایشی درست، و عینی را تصفیه کند و نگهدارد و ضمناً ملغمه غیرتجربی از جنس افسانه‌ها و نظریه‌های تأییدنشده اما دارای بار ارزشی را پس زند که با مؤلفه‌های اسلامی متعارض‌اند. وظیفه دوم روان‌شناس مسلمان آن است که اطمینان یابد علم روان‌شناسی منطبق با قواعد اسلامی به کار بسته شود. پس روان‌شناسی اسلامی عبارت است از روان‌شناسی تجربی بنیاداً درستی که اخلاقی به کار برده شود. مسلمانان نباید پیکره غربی علم روان‌شناسی را یکسره درست بپذیرند. علم در خلأ تکامل نمی‌یابد بلکه درون محیط اجتماعی تکامل می‌یابد. اگر روان‌شناسی پر از تأثیرهای فرهنگی غربی است پس درست این است که درباره جهان‌شمولی گزاره‌های آن شک و تردید داشت (اسکینر، ۲۰۱۹). توجه به این امر در دانشگاه‌ها در جریان آموزش علم روان‌شناسی و تعلیم و تربیت روان‌شناسان مسلمان ضرورت دارد. یک عنصر مهم از هر نظام آموزش عالی برنامه درسی است. تمرکز نوشته پیش‌رو بر همین مؤلفه کلیدی آموزش عالی است.

ایجاد برنامه درسی نقش مهمی در تغییر آموزشی دارد. در سالیان گذشته پیوسته اصلاحات زیادی در برنامه‌های درسی، به منظور ارتقای یادگیری دانشجو یا روش‌های تدریس انجام شده‌اند. اما اصلاح برنامه‌های درسی (با وجود نیت خوب و طراحی مناسب) غالباً به هدف نمی‌رسد. برخی از علل ناکامی برنامه‌های درسی عبارت‌اند از مدرسان بی‌صلاحیت، فقدان کتاب‌های درسی، و کلاس‌های ناکارآمد. افزون بر این، درک بافتاری و فرهنگی ضعیف برنامه‌ریزان درسی به ناهمخوانی فرهنگی در سطح فرهنگ ملی می‌انجامد. برای ایجاد برنامه درسی باکیفیت و اطمینان یافتن از اجرای برنامه درسی رویکرد حساس به فرهنگ در برنامه‌ریزی درسی لازم است. فرهنگ مشتمل است بر دانش و اندیشه‌هایی که به باورها و کنش‌های افراد و جوامع معنا می‌بخشند و می‌توان از آن‌ها برای توصیف و ارزیابی آن کنش‌ها استفاده کرد. بنابراین فرهنگ بر فرایندهای ایجاد برنامه درسی و بر بافت‌ها و فرایندهای پژوهش تأثیر می‌گذارد (گروودیک نیجویس و دیگران، ۲۰۱۳).

همخوانی نظام‌های آموزشی با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه از مهم‌ترین عامل‌های کارایی مراکز آموزشی است. برنامه‌های درسی هر کشور باید بازتاب ویژگی‌ها، اقتضانات، و واقعیت‌های فرهنگی آن کشور باشند. برنامه درسی حساس به تفاوت‌های فرهنگی و قومیتی در نظام آموزش ایران مغفول‌مانده خوانده شده است. این غفلت می‌تواند عامل تثبیت شکاف‌ها و بحران‌های اجتماعی، فرهنگی، و هویتی شود (امینی، ۱۳۹۱). جهانی شدن بر مناسبات کشورها و ملت‌ها تأثیر گذاشته و یکی از الزامات انکارناپذیر قرن حاضر است. جهانی شدن از سویی می‌تواند موجب رشد و ارتقای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و تربیتی شود و از سوی دیر به استحالته فرهنگی، ارزشی، تربیتی، اجتماعی، و اقتصادی بیانجامد. ابعاد بومی و ملی در خطر پاشیدگی و رنگ باختن در مسیر فرهنگ‌های غالب جهانی قرار می‌گیرند. از این رو، باید برنامه‌های درسی را بر حفظ و صیانت هویت ملی شهروندانی استوار کرد که، ضمن داشتن مهارت‌های شهروند جهانی، از هویت‌های ملی خویش حفاظت و صیانت کنند و به آن‌ها وفادار باشند (عصاره، ۱۳۹۱).

از آن رو که دین عنصر مهمی از فرهنگ است (بلزن، ۲۰۱۰) و اسلام دین غالب در ایران است، طراحی و تدوین برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها بر پایه مبانی اسلامی از ضرورت‌های آموزش عالی در ایران خواهد بود. هر ملتی می‌کوشد جوانانش را هم‌سو با آرمان‌ها و هدف‌های مقبول پرورش دهد تا بتواند جامعه مطلوب خود را بسازد. در این عرصه، برنامه درسی ابزار مؤثری است که نتایج آن به رفتار فراگیران تبدیل می‌شوند و هویت مشخصی را ایجاد می‌کنند. علوم انسانی با اندیشه انسان‌سروکار دارند و قادر اند بر اندیشه‌ها و نگرش‌های مخاطبان تأثیر گذارند (ملکی، ۱۳۹۶). برنامه‌های درسی باید به گونه‌ای تدوین شوند که با نیازهای فرهنگی، علائق، و ویژگی‌های فراگیران سازگار باشند. چرا که نظام آموزشی در انتقال و گسترش باورها، ارزش‌ها، دانش، مهارت‌ها، و فرهنگ یک ملت به نسل جدید رسالت عمده‌ای دارد. بنابراین برنامه‌های درسی جاری در دانشگاه‌های ایران باید با فرهنگ اسلامی جامعه هم‌نوا باشند یا دست کم تعارضی نداشته باشند (محمودی، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های زیادی در سه دهه گذشته درباره برنامه درسی دانشگاهی در ایران منتشر شده‌اند. دسته‌ای از نویسندگان برنامه‌های درسی ایران را با سایر کشورها مقایسه کرده‌اند. مثلاً قربانی و همکارانش (۱۴۰۴) برنامه درسی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت‌های ویژه ایران را با برنامه درسی دانشگاه دوپلین ایرلند مقایسه کردند. به گزارش آنان در دانشگاه دوپلین بر رویکردهای پژوهشی و نوآوری در آموزش تأکید می‌شود و فرصت‌های بیشتری برای کار و پژوهش در محیط‌های بین‌المللی فراهم می‌شود. اما در ایران غالباً بر آموزش وجوه نظری پرستاری تمرکز می‌شود. مهدیان و همکارانش (۱۴۰۳) نیز پنج برنامه درسی برتر کارشناسی پرستاری دنیا را مقایسه کردند. کارنوا ترابی و همکارانش (۱۳۹۹)، با مقایسه وضعیت آموزش درس نمایشنامه در ایران و سه دانشگاه خارجی، سرفصل درس نمایشنامه از درس‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فرانسه را نقد کردند. بروزرسانی و توجه به پرورش خلاقیت و تفکر نقادانه از پیشنهاد‌های این نویسندگان است. حسن زاده (۱۳۹۴) به مقایسه سرفصل دروس کارشناسی طراحی گرافیک در ایران و دانشگاه‌های جهان پرداخت. به گزارش او سرفصل درس یادشده انسجام ندارد. ضمناً بیش از نیمی از سرفصل به مباحث نه‌چندان مرتبط اختصاص دارد. او سه عامل را در اصلاح سرفصل ضروری می‌شمارد: الف) اجتناب از دروس غیرتخصصی و تمرکز بر آموزش دروس تخصصی ب) توجه به مباحث نظری به مثابه پشتوانه کارهای عملی، و ج) توجه به فناوری‌های جدید.

دسته دیگری از پژوهشگران ایرانی به نقد برنامه‌های درسی جاری پرداخته‌اند. مثلاً صالحی و میراسماعیلی (۱۳۹۳) با نظرخواهی از دانشجویان و مدرسان رشته‌های هنری به بررسی درس تفسیر موضوعی قرآن کریم در دوره کارشناسی پرداختند. آنان موضوعات قرآنی دارای اولویت را بر اساس دیدگاه ۲۴ مدرس و ۳۵۹ دانشجو شامل عشق و محبت در قرآن، رابطه با دیگران در قرآن، معنای زندگی در قرآن، هنر و زیبانشناسی در قرآن، زیبایی‌های قرآن، و مباحث فقهی هنر برشمردند. تعدادی از پژوهشگران ایرانی به عرضه یک برنامه درسی جدید همت گماردند. مثلاً زارعی زوارکی و رضائی (۱۳۹۴) با بررسی برنامه‌های آموزشی ۹ دانشگاه امریکایی در زمینه رشته تکنولوژی آموزشی برنامه‌ای را برای ایران پیشنهاد دادند. خیاطی و

همکارانش (۱۳۹۱) با روش دلفی و مشارکت ۱۴ متخصص یک برنامه کارآموزی کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی را مطابق با نیازهای شغلی آینده دانشجویان تدوین کردند. حسین زاده شانه‌چی و طحانی (۱۳۹۲) به مقایسه ساختار و برنامه‌های مراکز آموزشی جهان اسلام تا قرن هشتم هجری و اروپای قرون وسطی پرداختند. به گفته آنان با توجه به وجوه اشتراک در برنامه‌های یادشده و تقدم زمانی تحولات جهان اسلام نظام و مراکز آموزشی مسلمانان تاثیر مثبتی بر رشد آموزش در اروپا داشته است. برخی پژوهشگران به بررسی تأمین نیازهای دانش‌آموختگان توسط برنامه‌های درسی پرداختند. مثلاً شادفر و همکارانش (۱۳۹۰) میزان انطباق برنامه درسی کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، و کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی را با نیازهای علمی، فردی، اجتماعی، و شغلی دانشجویان کم یافتند. کریمی موفقی و جعفری (۱۳۹۲) نشان دادند برنامه درسی کارشناسی مامایی تفکر نقادانه را نمی‌افزاید.

در حوزه برنامه درسی پژوهش‌های اندکی وضعیت فرهنگ و به خصوص اسلام را بررسی کرده‌اند. این در حالی است که در دستورالعمل انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۲۳) برای آموزش رشته روان‌شناسی بر مقوله فرهنگ تأکید شده است. در یک پژوهش جدید معلوم شد در برنامه‌های روان‌شناسی خانواده در ایران کم‌وبیش به اسلام و روان‌شناسی اسلامی در پرورش روان‌شناسان خانواده و خانواده‌درمانگران توجه می‌شود (آقابابائی، ۱۴۰۴). بررسی برنامه درسی کارشناسی روان‌شناسی نیز معلوم کرد نیمی از درس‌های این برنامه حاوی دست کم یک مؤلفه فرهنگی-اسلامی است (آقابابائی، ۱۴۰۰). با توجه به اهمیت برنامه درسی در هدایت آموزش رسمی و خلأ پژوهشی یادشده، پژوهش حاضر درصدد بررسی جامع برنامه‌های درسی روان‌شناختی در ایران و مطالعه عناصر اسلامی در برنامه‌های درسی روان‌شناسی مصوب و در حال اجرا در وزارت علوم و وزارت بهداشت در مقاطع کارشناسی و بالاتر از آن است.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد. جامعه پژوهش متشکل است از سرفصل برنامه‌های درسی رشته‌های روان‌شناسی در حال اجرا در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۱ سرفصل) و در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۴۱ سرفصل) در مقاطع کارشناسی و بالاتر. ابتدا مؤلفه‌های مرتبط با اسلام (مانند اسلام، اسلامی، قرآن، و امثال آن؛ آقابابائی، ۱۴۰۰) از سرفصل دروس استخراج شدند. سپس این مؤلفه‌ها مقوله‌بندی و صورت‌بندی شد. یکی از مهم‌ترین کاربردهای روش تحلیل محتوا آشکار نمودن مقاصد و تأکیدات افراد (در اینجا، برنامه‌ریزان درسی) است. تحلیل پیام‌های زبانی به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، و شیوه‌های درک و سازمان‌دهی دنیا رهنمون می‌شود (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵). مراحل تحلیل محتوا این‌گونه ذکر شده است: شناخت مسئله، ساخت پیکره، تدوین مقوله‌ها، انتخاب واحدهای تحلیل، شمارش، و تفسیر (جعفری هرندی و میرشاه‌جعفری، ۱۳۸۷). در تحلیل محتوا می‌توان از هر منبعی سود برد و پژوهشگر قادر به پیش‌بینی همه مقولات و چگونگی بیان‌شان پیش از گردآوری داده‌ها نیست. بنابراین این پژوهش فرضیه خاصی را پی نگرفته است.

یافته‌های پژوهش

در سطح اول تحلیل، عناوین دروس روان‌شناختی که ماهیت اسلامی دارند و می‌توان آشکارا اسلام را در آن‌ها مشاهده کرد (آقابابائی، ۱۴۰۰) از میان ۵۲ برنامه درسی مصوب و در حال اجرا در ایران استخراج شدند. عناوین این دروس در برنامه‌های درسی فعال در وزارت علوم را می‌توان در جدول شماره ۱ مشاهده کرد. از میان برنامه‌های درسی فعال در وزارت علوم در ۱۹ برنامه درسی (۴۶/۳۴ درصد) می‌توان یک یا چند عنوان درسی را یافت که با اسلام مناسبت دارند (جدول ۱).

جدول ۱. عناوین درس‌های روان‌شناختی مرتبط با اسلام در برنامه‌های درسی روان‌شناسی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

نام برنامه درسی	نام درس
مقطع کارشناسی	
روان‌شناسی (۱۴۰۳)	۱. روان‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان ۲. آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث
معارف اسلامی و روان‌شناسی (۱۳۸۳)	۱. آشنایی با مشاوره و راهنمایی و اصول و فنون آن (با نگاه اسلامی) ۲. روان‌شناسی از دیدگاه اسلام ۳. روان‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی ۴. مفاهیم روان‌شناختی در قرآن و روایات
روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی (۱۳۸۶)	۱. تعلیم و تربیت اسلامی ۲. روان‌شناسی اسلامی
مقطع کارشناسی ارشد	
روان‌شناسی تربیتی (۱۳۹۵)	تعلیم و تربیت اسلامی
روان‌شناسی اجتماعی (۱۳۹۸)	تعامل اجتماعی از منظر اسلام
روان‌شناسی سلامت (۱۴۰۰)	سبک زندگی اسلامی و سلامت
روان‌شناسی اسلامی (۱۳۹۹)	۱. مبانی روان‌شناسی اسلامی ۱ (علم شناسی) ۲. مبانی روان‌شناسی اسلامی ۲ (نفس شناسی) ۳. روش شناسی فهم قرآن و حدیث ۴. روان‌شناسی اجتماعی در منابع اسلامی ۵. بهداشت روانی در اسلام ۶. انسان‌شناسی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی ۷. انگیزش و هیجان در منابع اسلامی ۸. آسیب‌شناسی روانی با نگرش به منابع اسلامی ۹. نظریه‌های روان‌درمانی در منابع اسلامی ۱۰. روان‌شناسی اخلاق با نگرش به منابع اسلامی ۱۱. روان‌شناسی مثبت‌گرا با نگرش به منابع اسلامی ۱۲. روان‌شناسی شخصیت با نگرش به منابع اسلامی ۱۳. روان‌شناسی تحولی از منظر اسلام
روان‌شناسی دین (۱۳۹۵)	مبانی روان‌شناسی اسلامی
روان‌شناسی صنعتی و سازمانی (۱۳۹۵)	۱. مناسبات انسانی-اسلامی در محیط کار ۲. روان‌شناسی از دیدگاه اسلام
روان‌شناسی ورزشی (۱۳۹۳)	روان‌شناسی در منابع اسلامی
اسلام و روان‌شناسی اجتماعی (۱۳۹۰)	۱. حدیث و رابطه بین فردی (۱) ۲. حدیث و رابطه بین فردی (۲)
روان‌شناسی اسلامی-مثبت‌گرا (۱۳۸۹)	۱. حدیث و روان‌شناسی مثبت (۱) ۲. حدیث و روان‌شناسی مثبت (۲) ۳. روش فهم روان‌شناختی متون دینی
علوم شناختی-روان‌شناسی شناختی (۱۳۹۴)	مبانی شناخت از نظر فلسفه اسلامی و فلسفه دین
روان‌شناسی شخصیت (گروه حوزوی دانشگاهی) (۱۳۹۰)	۱. فقه الحدیث با نگاه به مفاهیم روان‌شناختی ۲. روان‌شناسی در قرآن ۳. روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام ۴. بهداشت روانی از دیدگاه اسلام ۵. روان‌شناسی شخصیت در قرآن و حدیث ۶. روان‌شناسی از دیدگاه اسلام
روان‌شناسی عمومی (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی) (۱۳۷۴)	نظریه‌های شخصیت و نقد آن از دیدگاه اسلامی
مقطع دکترا	
خانواده و سلامت جنسی (۱۳۹۵)	۱. سلامت و تربیت جنسی از دیدگاه اسلام ۲. خانواده از منظر اسلام
قرآن و روان‌شناسی (۱۳۸۶)	۱. رشد از دیدگاه قرآن ۲. خانواده از دیدگاه قرآن ۳. شخصیت از دیدگاه قرآن ۴. بهداشت روان از دیدگاه قرآن
روان‌شناسی صنعتی و سازمانی (۱۳۹۶)	۱. اخلاق حرفه‌ای و معنویت در سازمان از دیدگاه اسلام ۲. کار و مدیریت اسلامی
روان‌شناسی ورزشی (۱۳۹۳)	بهداشت روانی از دیدگاه اسلام

از میان برنامه‌های روان‌شناختی مصوب و فعال در وزارت بهداشت درس‌های مرتبط با اسلام در دو رشته (۱۸/۱۸ درصد) یافت شدند. در دکترای روان‌شناسی نظامی (مصوب ۱۳۸۸) دو درس مرتبط با اسلام وجود دارد: روان‌شناسی اسلامی؛ و نظام بهداشت روانی در جنگ‌های صدر اسلام و دفاع مقدس. در دکترای روان‌شناسی بالینی (مصوب ۱۳۹۱) یک درس

مرتبط با اسلام وجود دارد: بنیادهای روان‌درمانی در فرهنگ اسلامی. این بدان معنا نیست که در باقی برنامه‌های درسی روان‌شناسی وزارت بهداشت و وزارت علوم که هیچ عنوان درسی مرتبط با اسلام وجود ندارد به روان‌شناسی اسلامی توجه نشده است. در واقع، در بسیاری از رشته‌ها به اسلام در سرفصل دروس مختلف پرداخته شده است، خواه عنوان درس مرتبط با اسلام باشد خواه نباشد. از این رو، در سطح دوم تحلیل به سراغ سرفصل همه دروس برنامه‌های درسی ۵۲ گانه فوق‌الذکر رفتیم و هر واژه مرتبط با اسلام را استخراج کردیم.

محتوای اسلامی در سرفصل برنامه‌های درسی ۵۲ گانه شامل ۳۸۲ مورد بود (جدول ۲). این محتوا را می‌توان در چند دسته قرار داد که به ترتیب فراوانی مؤلفه‌های ذیل‌شان عبارت‌اند از: «نظرگاه اسلام» (شامل ۶۵/۱۸ درصد کل مؤلفه‌ها)، «علوم اسلامی» (شامل ۱۲/۳۰ درصد کل مؤلفه‌ها)، «منابع اسلامی» (۱۱/۸۷ درصد کل مؤلفه‌ها)، «اشخاص و معاریف اسلامی» (۶/۲۸ درصد کل مؤلفه‌ها)، و «شعائر و معارف اسلامی» (۴/۴۵ درصد کل مؤلفه‌ها).

جدول ۲ محتوای مرتبط با اسلام در ۵۲ برنامه درسی روان‌شناسی و دسته‌بندی آن

مقوله‌ها و محتوای مرتبط با اسلام (و فراوانی آن)		
مقوله اول: نظرگاه اسلامی (۲۴۹)		
از منظر اسلام (۴)	اصول و راهکارهای اسلام	در اسلام (۴۴)
آموزه‌های اسلامی/اسلام (۱۹)	با بررسی اسلام	با تأکید ویژه بر الگوهای اسلامی
راهبردهای اسلام (۲)	رهنمودهای اسلامی	دیدگاه اسلام/اسلامی (۱۱۳)
رویکرد اسلامی/اسلام (۶)	فرهنگ اسلام/اسلامی (۱۰)	مبتنی بر دین اسلام
مکتب اسلام (۲)	نظر اسلام (۷)	نظریه اسلام (۱۴)
نگاه اسلام (۸)	تعالیم اسلام	الگوها و مدل اسلام
مبانی اسلامی/اسلام (۳)	مطابقت‌ها و عدم مطابقت‌های اسلامی	توصیه‌های اسلام (۲)
اسلام (۶)	عصر اسلام	
مقوله دوم: علوم اسلامی (۴۷)		
علوم اسلامی (۲)	حکمت اسلامی	فلاسفه اسلامی (۵)
روان‌شناسی اسلامی (۲۷)	روان‌شناسی اجتماعی اسلامی	متفکران اجتماعی مسلمان
تعلیم و تربیت اسلامی (۹)	مدیریت اسلامی	
مقوله سوم: منابع اسلامی (۴۵)		
دیدگاه آیات و روایات (۲)	دیدگاه قرآن (۶)	دیدگاه قرآن و حدیث
از منظر روایات	آیات و روایات (۲)	در قرآن (۴)
در قرآن و حدیث/روایات (۴)	در منابع اسلامی (۱۶)	در متون و منابع اسلامی (۲)
در نهج البلاغه	روایات	متون اسلامی
نظر قرآن	نظر قرآن و حدیث	آیات (۲)
مقوله چهارم: اشخاص و معاریف اسلامی (۲۴)		
اندیشمندان اسلامی/اسلام/مسلمان (۱۹)	دید پیامبر اسلام و حضرت علی علیه‌السلام	ریشه‌های روان‌شناسی در اسلام (ابن سینا، فارابی، غزالی)
منظر صاحب‌نظران اسلامی	کلام و سیره نبوی	معارف دین و اهل بیت
مقوله پنجم: شعائر و معارف اسلامی (۱۷)		
امر به معروف و نهی از منکر (۲)	روزه‌داری اسلامی، مراسم مقدس اسلامی	شاکله
فطرت	مفهوم اسلامی	معارف اسلامی (۲)
سنت اسلامی-ایرانی	معنویت اسلامی (۲)	سبک زندگی اسلامی (۶)

بحث و نتیجه‌گیری

تربیت از مهم‌ترین جنبه‌های تحول انسان و احتمالاً بانفوذترین نهاد در هر جامعه است. تربیت عبارت است از انتقال مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، و فهم، از نسل بزرگسال به کودکان‌شان. اسلام به تربیت به منزله عبادت می‌نگرد. تربیت از دیدگاه اسلامی فرایند مادام‌العمر آماده کردن فرد برای آن است که نقشش به منزله خلیفه الهی روی زمین را تحقق بخشد و به بازسازی و تحول جامعه به منظور کسب آسایش در این دنیا و جهان دگر سهیم شود. تربیت اسلامی مقتضی است کوشیده شود به فراگیران یاد داده و کمک شود تا جنبه‌های گوناگون دانش را، از طریق استفاده از یک برنامه درسی خوب طراحی شده، در محدوده‌های اسلام کسب کنند (نورانی هاشم و لنگولانگ، ۲۰۰۸). در زمینه تربیت روان‌شناس در میان مسلمانان بزرگ‌ترین چالش این است که روان‌شناسی اسلامی در چارچوب فکری مسلمانان حفظ شود. در راستای پرداختن به این دغدغه، پژوهش حاضر نشان داد که در بخش قابل توجه و اعظم برنامه‌های درسی رشته روان‌شناسی، که بالغ بر ۵۰ رشته را در مقاطع سه‌گانه دربرمی‌گیرند، به آموزش روان‌شناسی اسلامی توجه شده است. این توجه به ترتیب بیشترین اهمیت در چند قالب بوده است: ۱. ارائه رشته «روان‌شناسی اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد، ۲. ارائه یک رشته ترکیبی از روان‌شناسی اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد به نام «روان‌شناسی اسلامی - مثبت‌گرا»، ۳. ارائه رشته‌هایی با اشاره به اسلام (شامل سه رشته: کارشناسی «معارف اسلامی و روان‌شناسی»، کارشناسی ارشد «اسلام و روان‌شناسی اجتماعی»، و دکترای «قرآن و روان‌شناسی»)، ۴. گنجاندن درس‌هایی با نام اسلام یا مرتبط با اسلام (مانند درس «آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث» و درس «روان‌شناسی در منابع اسلامی»)، ۵. اشاره به اسلام در سرفصل دروس مختلف، و ۶. اشاره به اسلام در مقدمه یا سایر بخش‌های برنامه درسی، مثلاً در قالب هدف‌های آموزش دانشجویان در رشته مربوطه. بنابراین آموزش علم روان‌شناسی در ایران را، بر پایه بررسی برنامه‌های درسی در حال اجرا در وزارت بهداشت و به‌خصوص در وزارت علوم، می‌توان بسیار علاقمند به روان‌شناسی اسلامی دانست.

یک پرسش مهم درباره شیوه آموزش روان‌شناسی اسلامی این است که: آیا روان‌شناسی اسلامی باید در کل برنامه درسی ادغام شود (که نمونه‌های آن «کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی» و نمونه ضعیف‌تر آن «روان‌شناسی شخصیت (گروه حوزوی دانشگاهی)» است؛ جدول ۱) یا آنکه روان‌شناسی باید صرفاً در کلاسی مخصوص این هدف آموخته شود (یعنی فقط در یک تک درس مثلاً با نام «روان‌شناسی اسلامی»). پاسخ به این پرسش در درجه نخست به نگاه ما به ماهیت روان‌شناسی اسلامی بسته است. آیا روان‌شناسی اسلامی یک مکتب در کنار سایر مکاتب روان‌شناختی است؟ یا روان‌شناسی اسلامی یک نهضت یا جنبش است که همه عرصه‌های روان‌شناسی را دربرمی‌گیرد؟ اگر نگاه اخیر (رفیعی هنر، ۱۳۹۹) پذیرفته شود باید روان‌شناسی اسلامی را در کل برنامه درسی ادغام کرد. و الا گنجاندن یکی دو درس با نام روان‌شناسی اسلامی در میان دروس دیگر بسنده خواهد بود.

در دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ درسی با نام علم‌النفس به دانشجویان روان‌شناسی آموخته می‌شد. برنامه‌ریزان ایرانی، در برنامه‌های درسی اخیرتر، گاهی نام این درس را به «روان‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان» تغییر داده‌اند. افزون بر این، در بخشی از سرفصل دروس روان‌شناسی (مقوله چهارم)، برنامه‌ریزان خواهان تدریس موضوعات مختلف روان‌شناختی از نگاه صاحب‌نظران اسلامی شده‌اند. آشکار است که تاریخ روان‌شناسی اسلامی به شدت تحت تأثیر بسیاری از دانشمندان اسلامی بوده است. آن دانشمندان پایه مستحکمی برای پژوهشگران و متخصصان معاصر فراهم کرده‌اند. به تعبیر برنامه‌ریزان «کارشناسی معارف اسلامی و روان‌شناسی»، مطالعه آراء دانشمندانی مانند ابن‌سینا، فارابی، و غزالی مطالعه «ریشه‌های روان‌شناسی در اسلام» است. از این رو، آشنایی با نام و آراء این دانشمندان بخشی لازم از آموزش روان‌شناسی اسلامی است. درس «روان‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان» را

می‌توان تاریخ روان‌شناسی یا تاریخ روان‌شناسی اسلامی قلمداد کرد (آقابابائی، ۱۴۰۰) و آنچه در باب لزوم مطالعه تاریخ روان‌شناسی گفته شده است (ورتهایمر و پونته، ۲۰۲۰) را می‌توان درباره این درس بازگو کرد. خداوند می‌فرماید که هیچ چیزی در قرآن از قلم نیافتاده است و دانش درباره همه چیز نزد او است. طبق جهان بینی اسلامی، منبع اصلی دانش و مرجعیت در اسلام، علم الهی از قرآن و هدایت بر گرفته از سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت معصوم او است. مسلمانان مجموعه مشترکی از ارزش‌ها بر پایه قرآن و سنت پیامبر دارند. روان‌شناسی اسلامی نیز در ذات خود ریشه در قرآن و سنت دارد. بنابراین جای شگفتی نیست که در بخش قابل توجهی از سرفصل‌های برنامه‌های درسی روان‌شناسی (مقوله سوم) به این منابع اصیل اسلامی اشاره شده باشد.

هدف آموزش رسمی انتقال فرهنگ است. همان‌طور که ملاحظه شد برنامه‌ریزان درسی بر انتقال نظرگاه اسلام درباره موضوعات و مسائل مختلف روان‌شناسی تأکید دارند (مقوله اول). اما چه محتوایی از اسلام در قالب روان‌شناسی اسلامی باید به دانشجویان انتقال داده شود؟ فقط حدود ۴ درصد از مؤلفه‌های اسلامی در سرفصل‌ها به شعائر و معارف اسلامی مربوط اند (مقوله پنجم). این عدد اندک گویای توجه اندک برنامه‌ریزان به مصادیق محتوای اسلامی است که باید به دانشجویان آموخته شوند. از میان تشریفات اسلامی فقط سه موضوع در سرفصل‌ها نام برده شده‌اند: امر به معروف، نهی از منکر، و روزه. و از میان مفاهیم اسلامی نیز فقط دو تا نام برده شده‌اند: شاکله و فطرت. تحلیل فرهنگی نظام‌مند حلقه مفقوده فرایند برنامه‌ریزی درسی روان‌شناسی در ایران است. تحلیل فرهنگی امروزه ضروری‌تر از گذشته است زیرا بسیاری از جوانان ما دیگر به سنت‌های خودشان دسترسی ندارند. بسیاری از نوجوانان در نتیجه تلویزیون و اینترنت دیگر با افراد کهنسال صحبت نمی‌کنند و از بعد از ظهرهای با هم نشستن و داستان گفتن و شعر و آواز خواندن خبری نیست. این‌ها جای خود را به مواجهه با دنیای مارول و دی‌سی و امثال آن یا شب را در سطح شهر گشتن داده‌اند. نیاز پژوهشی فوری وجود دارد تا روشن شود که چه دانش و مهارت‌های فرهنگی‌ای باید در برنامه درسی گنجانده شوند. اگر ما درباره حفظ هویت فرهنگی مان، در جهانی که به سرعت دارد از لحاظ فرهنگی یک‌دست می‌شود، جدی هستیم باید به فرایند نظام‌مند تحلیل فرهنگی مبادرت ورزیم و فرهنگ مان (شامل زبان‌ها، محیط‌ها، فناوری‌ها، دانش، مهارت‌ها، باورها، و ارزش‌ها) را بررسی کنیم تا قضاوت بهتری داشته باشیم درباره آنچه که باید به نسل بعد انتقال دهیم (تامان، ۱۹۹۳).

وقتی روان‌شناس، به مثابه فراهم‌آورنده مراقبت‌های مربوط به سلامت، فاقد شایستگی فرهنگی باشد بیماران و مراجعانش ممکن است در معرض خطر قرار گیرند. این امر می‌تواند مثلاً موجب تأخیر در درمان یا عدم تمکین به دستورات مراقبتی و درمانی شود. اگر بنا باشد مراقبت‌ها و خدمات ما روان‌شناسان به فرهنگ حساس باشند باید برای بازشناسایی چنین نیازی و پرورش مهارت‌هایی که تسهیل‌کننده رسیدن به آن‌اند آماده شده باشیم. مکان کسب این آمادگی در دانشگاه و زمان آن هنگام تحصیل است. برای آموزش روان‌شناسی در دانشگاه‌ها مؤلفه‌های فرهنگی باید آشکارا تعریف شوند. چارچوب پیشنهادی برای در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی در برنامه درسی مشتمل بر سه درون‌مایه اصلی است: آگاهی فرهنگی، دانش فرهنگی، و مهارت‌های فرهنگی (ساران و دیگران، ۲۰۱۳). به همین قیاس مؤلفه‌های اسلامی‌ای که باید به دانشجویان انتقال داده شوند نیز باید آشکارا تعریف شوند. فقدان چنین تحلیلی از نقاط ضعف برنامه‌های درسی جاری در ایران است. رفع نقصان در آموزش محتوای اسلامی به دانشجویان روان‌شناسی فقط با انجام تحلیل فرهنگی اسلام محقق خواهد شد.

روان‌شناسی اسلامی رویکرد و روش‌شناسی متفاوتی در مطالعه رفتارها و تجربیات انسانی دارد. روش‌شناسی روان‌شناسی اسلامی محدود به دانش حاصل از ادراک حسی و عقل‌گرایی (استدلال منطقی) نیست. روان‌شناسی اسلامی همچنین به پدیده‌های فراطبیعی و جهان غیب می‌پردازد، پدیده‌هایی که با ابزارهای تجربه‌گرایی، شهود، و

عقل قابل اثبات، سنجش، یا ارزیابی نیستند. روان‌شناسی اسلامی گسترده‌تر از جهان محسوس و بر پایه وحی استوار است (رسول، ۲۰۲۳). اما پژوهش حاضر نشان داد در آموزش روان‌شناسی اسلامی، به این جنبه یعنی روش‌ها نیز توجهی نشده است.

پژوهش حاضر محدود به ۵۲ سرفصل روان‌شناسی در ایران است. برنامه‌های درسی روان‌شناختی‌ای که احیاناً از قلم افتاده یا پس از انجام این پژوهش تصویب شده‌اند و همچنین برنامه‌های درسی رشته مشاوره در این تحلیل وارد نشده‌اند. درباره اینکه مشاوره شاخه‌ای از روان‌شناسی است یا نه اختلاف نظر وجود دارد. به هر حال، پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی وضعیت آموزش مشاوره اسلامی در برنامه‌های درسی ایران بپردازند. افزون بر این، پژوهش حاضر به بررسی نقش اسلام محدود بود. از آن رو که دین بخشی از فرهنگ است، وقتی عنوان درسی با نام فرهنگ مشاهده می‌شود یا در سرفصل یک درس به نقش فرهنگ اشاره می‌شود این موارد را قطعاً می‌توان با روان‌شناسی اسلامی مرتبط دانست. شایان ذکر است که یکی از علل لزوم پرداختن به روان‌شناسی اسلامی الزام برآمده از پرداختن به روان‌شناسی فرهنگی بیان شده است (فداکار داورانی و دیگران، ۱۴۰۰). به هر رو، با توجه به اینکه روان‌شناسی فرهنگی درس مستقلی در برخی رشته‌های روان‌شناختی است و به جهت عام‌تر بودن مفهوم فرهنگ از دین، موضوعات فرهنگی علی‌رغم ارتباطشان با مسائل اسلامی، در این پژوهش کنار گذاشته شدند و باید در پژوهش مستقلی بررسی شوند. این دست از پژوهش‌ها به گسترش روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی فرهنگی در ایران کمک خواهند کرد.

منابع

- آقابابائی، ناصر. (۱۴۰۰). بررسی عناصر اسلامی-فرهنگی در سرفصل برنامه درسی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۱۵، ۵۵-۶۸.
- آقابابائی، ناصر. (۱۴۰۴). اسلام و روان‌شناسی خانواده در برنامه‌های درسی دانشگاه‌های ایران. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۲۳، ۳۱-۴۴.
- امینی، محمد. (۱۳۹۱). تبیین برنامه درسی چندفرهنگی و چگونگی اجرای آن در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران. مطالعات برنامه درسی ایران، ۲۶، ۱۱-۳۲.
- جعفری هرندی، رضا، نصر، احمدرضا، و میرشاه جعفری، سیدابراهیم. (۱۳۸۷). تحلیل محتوا روشی پرکاربرد در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی، با تاکید بر تحلیل محتوای کتاب‌های درسی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۵۵، ۳۳-۵۸.
- حسن زاده، حسام. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی سرفصل دروس دوره کارشناسی طراحی گرافیک در ایران و منتخبی از دانشگاه‌های جهان. مطالعات تطبیقی هنر، ۹، ۳۵-۴۵.
- حسین‌زاده شانه‌چی، غلامحسن. و طحانی، آزاده. (۱۳۹۲). مقایسه ساختار و برنامه‌های مراکز آموزشی جهان اسلام (تا پایان قرن هفتم هجری) و اروپای قرون وسطا. تاریخ اسلام، ۵۶، ۱۵۳-۱۸۲.
- خیاطی، فریبا، شهاب جهانلو، علیرضا، و لطفی‌زاده، مسعود. (۱۳۹۱). طراحی و معرفی برنامه (کوریکولوم) جدید برای کارآموزی کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی در سال ۱۳۸۸. سلامت و بهداشت، ۳(۴)، ۸۱-۹۳.
- رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۹). جریان‌شناسی روان‌شناسی اسلامی در عصر حاضر: بررسی فراترکیب. روان‌شناسی فرهنگی، ۱(۴)، ۱۷۶-۲۰۵.
- زارعی زوارکی، اسماعیل و رضائی، عیسی. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی سرفصل برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته تکنولوژی آموزشی با تاکید بر آموزش ویژه در دانشگاه‌های آمریکا و ایران. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۲۸، ۱۵۱-۱۷۷.
- شادفر، حوریه، لیاقتدار، محمدجواد، و شریف، مصطفی. (۱۳۹۰). بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۶۲، ۱۲۳-۱۴۶.
- صالحی، مجید. و میراسماعیلی، بی بی سادات. (۱۳۹۳). طراحی سرفصل درس تفسیر موضوعی قرآن کریم متناسب با دانشجویان رشته‌های هنری. مطالعات تفسیری، ۱۸، ۱۳۳-۱۵۴.
- عصاره، علیرضا. (۱۳۹۱). جهانی شدن و تدوین برنامه درسی ملی ایران. مطالعات برنامه درسی ایران، ۲۵، ۶۷-۹۴.

- فداکار داورانی، فهیمه، اسمعیلی، معصومه، برجعلی، احمد، و باقری، خسرو. (۱۴۰۰). ارزیابی رویکردهای چرایی انجام مطالعات روان‌شناسی اسلامی در مطالعات منتسب به آن. *روان‌شناسی و دین*، ۱۴(۲)، ۹۵-۱۰۸.
- قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. *روش‌های و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲۳، ۵۷-۸۲.
- قربانی، بنفشه، ارسلانی، نرگس، گیلوری، طاهره، جنایی قدس، ماریه، مرتضی‌نسب، مائده، و فلاحی خشک‌ناب، مسعود. (۱۴۰۴). مقایسه برنامه‌دستی دوره کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت‌های ویژه ایران و دانشگاه دوبلین ایرلند: یک مطالعه تطبیقی. *پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ۱۷(۴)، ۳۸-۴۸.
- کارنوا ترابی، دومینیک، بسنج، دانیال، و ایمان‌یان فرد، مریم. (۱۳۹۹). لزوم بازنگری سرفصل درس‌های رشته زبان و ادبیات فرانسه؛ مورد درس نمایشنامه. *جستارهای زبانی*، ۵۸، ۷۹۷-۸۲۳.
- کریمی موفقی، حسین، و جعفری، حمیده. (۱۳۹۲). آیا برنامه آموزشی دوره کارشناسی مامایی ارتقاءدهنده مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان می‌باشد؟ *مجله زنان، مامایی، و نازایی ایران*، ۱۶، ۱-۱۰.
- محمودی، محمدتقی. (۱۳۹۱). مطالعات فرهنگی و برنامه‌دستی: دیدگاه‌ها و موضوعات. *مطالعات برنامه‌دستی ایران*، ۲۶، ۳۳-۵۴.
- ملکی، حسن. (۱۳۹۶). هویت دینی برنامه‌دستی: جستاری در نظریه اسلامی برنامه‌دستی. تهران: آیتز.
- مهدیان، فاطمه، جوکار، فریبا و صادقی، نرگس. (۱۴۰۳). آموزش مفهوم ایمنی بیمار در کوریکولوم آموزشی پرستاری ایران: یک مطالعه چندپژوهشی. *آموزش پرستاری*، ۱۳(۴)، ۱۳-۲۸.

- American Psychological Association. (2023). APA guidelines for the undergraduate psychology major: Version 3.0. USA: Author.
- Belzen, J. A. (2010). *Towards cultural psychology of religion: Principles, approaches, applications*. New York: Springer.
- Gervedink Nijhuis, C. J., Pieters, J. M., & Voogt, J. M. (2013). Influence of culture on curriculum development in Ghana: An undervalued factor? *Journal of Curriculum Studies*, 45(2), 225-250.
- Noraini Hashim, C. & Langgulong, H. (2008). Islamic religious curriculum in Muslim countries: The experiences of Indonesia and Malaysia. *Bulletin of Education & Research*, 30(1), 1-19.
- Rassool, H. G. (2023). *Islāmic psychology: The basics*. New York: Routledge.
- Sairanen, R., Richardson, E., Kelly, H., Bergknut, E., Koskinen, L., Lundberg, P. ... De Vlieger, L. (2013). Putting culture in the curriculum: A European project. *Nurse Education in Practice*, 13, 118-124.
- Skinner, R. (2019). Traditions, paradigms and basic concepts in Islamic psychology. *Journal of Religion and Health*, 58, 1087-1094.
- Thaman, K. H. (1993). Culture and the curriculum in the South Pacific. *Comparative Education*, 29(3), 249-260.
- Wertheimer, M., & Puente, A. E. (2020). *A brief history of psychology*. New York: Routledge.

